مطالعات کمّی در مدیریت، سال چهارم، شماره دوم- تابستان 1392- صص 58-43

اثر بانکداری اسلامی و رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی

دکتر محمدتقی نظرپور [1]

تاریخ دریافت: 1391/1/24

تاریخ پذیرش: 1391/3/30

فرشته اشراقی [2]

زهره خواجه سعید [3]

چکیده

پدیده فقر معضلی است که کلیه جوامع بشری در تمامی دوران تاریخ به نوعی با آن روبرو بوده اند.در حقیقت، فقر وضعیتی است که در آن رفاه فرد یا خانوار در سطحی کمتر از سطح استاندارد قرار داشته باشد.تاریخ شاهد رشد اقتصادی در جهان بوده است، ولی فقر اقتصادی همچنان به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در زندگی بشر وجود دارد.با توجه به این مساله،این پرسش مطرح می شود که آیا رشد اقتصادیراهی موثر برای کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه به شمار می رود؟گروهی بر این باورندکه باید از سیاست‌های اقتصادی متمایل به رشد حمایت کرد تا فرصت‌های لازم برای افزایش درآمد افراد فقیر به وجود آید.گروهی دیگر نیز معتقدند که رشد اقتصادی، به افزایش نابرابری در توزیع درآمد و دارایی منجر می شود و افزایش نابرابری در توزیع درآمد، موجب کاهش فقر نمی گردد.

با توجه به اهمیت مساله در زمینه دیدگاه‌های مطرح شده،هدف اصلی این مطالعه، ارزیابی رابطه بین رشد اقتصادی، شاخص‌هایی در بانکداری اسلامی و نابرابری در اقتصاد کشورهای منتخب اسلامی است. از این رو با تصریح اقتصادی یک مدل رگرسیونیو شناسایی عوامل تاثیرگذار بر متغیر جایگزین نابرابری (یعنی ضریب جینی) بویژه عملکرد سیستم بانکداری غیر ربوی در کشورهای منتخب اسلامی، در دوره زمانی2002 تا 2009 مورد بررسی قرار گرفته است. به طور کلی، نتایج بدست آمده حکایت

1. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید قم،mnnazarpour@gmail.com

2. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه مفید قم، Email:fereshteheshraghi278@yahoo.com

3 دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه مفید قم،شماره تماس: zohreh.kh@gmail.com

Archive of SID

www.SID.ir

از تاثیرگذاری سیستم بانکداری غیر ربوی، در کشورهای منتخب، در کاهش فقر و سطح نابرابری اقتصادی دارد.

واژگان کلیدی: *فقر و نابرابری، رشد اقتصادی، بانکداری اسلامی، داده‌های تابلویی*

1- مقدمه

پدیده فقر معضلی است که کلیه جوامع بشری در تمامی دوران تاریخ بـه نـوعی بـا آن روبـرو بوده اند.پدیدار شدن فقر به یکباره در یک مقطع خـاص نبـوده بلکـه همزمـانی فقـر و غنـا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، حاصل تدریجی نظام‌های موجـود جوامـع در طـول تـاریخ بـوده است.این امر معضلات اجتماعی- اقتصادی مختلفی را برای جوامع به بـار مـی آورد؛زیـرا ایـن پدیده که خود نمـودی از توسـعه نیـافتگی اقتصـادی، اجتمـاعی و فرهنگـی اسـت کـه ثبـات سیاسی،همبستگی اجتماعی و همچنین سلامت جسمی و روحی ملت‌ها را تهدید می کند.

این پدیده هنگامی که از نسلی به نسل دیگر تداوم یابد، ریشه دوانده و به صورت یک فرهنگ تبدیل شده وبه عنوان مانعی پایدار در مقابل توسعه تبدیل می گردد.در نظام‌های آرمان گرا،به ویژه کشورهای اسلامی، این مسئله در مقایسه با سایر کشورها از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ تا آنجا که در کتاب آسمانی «قرآن» به دفعات به حذف فقر تاکید شده و از عدالت اجتماعی و محرومیت زدایی به عنوان یکی از اهداف اساسی نظام اسلامی یاد نموده است.

تاریخ شاهد رشد اقتصادی در جهان بوده است، ولی فقر اقتصادی همچنان به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر در زندگی بشر وجود دارد.وقتی که اقتصاد جهانی،به ویژه در طول دهه 1990،نرخ رشد بالایی را تجربه کرد، این پرسش مطرح شد که آیا رشد اقتصادیراهی موثر برای کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه به شمار می رود؟ پاسخ‌ها و استدلال‌های ارائه شده را در دو دسته می توان طبقه بندی کرد: موسسات بین المللی نظیر بانک جهانی، بر این باور بوده اند که باید از سیاست‌های اقتصادی متمایل به رشد حمایت کرد تا فرصت‌های لازم برای افزایش درآمد افراد فقیر به وجود آید (دولار و کری ، 2000). گروهی دیگر عقیده داشته اند که رشد اقتصادی، به افزایش نابرابری در توزیع درآمد و دارایی منجر می شود و افزایش نابرابری در توزیع درآمد، موجب کاهش فقر نمی گردد. طبق نظرات این گروه،کاهش نابرابری در توزیع درآمد و دارایی است که می تواند باعث کاهش فقر در کشورهای با درآمد پایین گردد.

Archive of SID

www.SID.ir

با توجه به دیدگاههای اقتصادی فوق، این سوال مطرح می شود که جایگاه اقتصاد کشورهای مسلمان و گرایش آنها به سمت استفاده از ابزار اقتصاد اسلامی مثل ایجاد و تقویت بانکهای غیر ربوی، در کاهش فقر چگونه بوده است؟ به عبارت دیگر آیا 1- رشد اقتصادی در این کشورها موجب کاهش فقر شده است؟ 2- سیستم بانکداری اسلامی در کشورهای اسلامی موجب کاهش فقر شده است؟

بنابراین هدف اصلی تحقیق حاضر، ارزیابی رابطه بین رشداقتصادی، بانکداری اسلامی و فقر در اقتصاد کشورهای منتخب اسلامی آسیایی و افریقایی است. از این رو با تصریح اقتصادی یک مدل رگرسیونی، نابرابری و شناسایی عوامل تاثیرگذار بر متغیر جایگزین (یعنی ضریب جینی) بر عملکرد سیستم بانکداری غیر ربوی در کشورهای منتخب اسلامی، در دوره زمانی 2002تا 2009 تاکید خواهد شد.

بدین ترتیب، در ادامه مقاله در بخش 2 به بررسی مقوله فقر از بعد نظری پرداخته خواهد شد. سپس در بخش 3 روش تحقیق توضیح داده می شود. در بخش 4 نتایج برازش الگو ارائه گردیده و در بخش پایانی نیز نتیجه گیری و پیشنهادات مطالعه بیان می شود.

2- مبانی نظری

فقر وضعیتی است که در آن رفاه فرد یا خانوار در سطحی کمتر از سطح استاندارد قرار داشته باشد. به عبارت دیگر، در این وضعیت درآمدهای فرد یا خانوار کفاف تامین نیازهای اساسی او را نمی نماید. یعنی می توان عنوان کردکه فقدان درآمدهای مناسب وکافی یک فرد یا خانوار برای تامین نیازهای اساسی، به عنوان وضعیت فقر در یک جامعه تعریف می شود. علاوه بر این می توان گفت که افراد و گروههای فقیر همانند افراد عادی از یک رفتار عقلایی در فعالیت‌های اقتصادی خود برخوردارند و بر این مبنا به دنبال به حداکثر رساندن مطلوبیت و رفاه خود هستند. با این حال، به دلیل وجود محدودیت‌ها و کمبودهای شدید در میزان اولیه منابع درآمدی، اعم از منابع انسانی و مادی از یک طرف و نامساعد بودن محیط و شرایطی که افراد در آن فعالیت می کنند (مانند وجود ساختار اقتصادی سنتی، بیکاری گسترده، بهره وری نازل و تبعیض‌های اقتصادی و اجتماعی). از طرف دیگر، جوامع قادر به تامین نیازهای اولیه خود نبوده و از فقر درآمدی گسترده ای رنج می برند. بنابراین وضعیت فقر و نابرابری، ناشی

Archive of SID

www.SID.ir

از کمبود درآمد افراد است که این نیز تابع مقدار منابع به کار گرفته شده و نرخ بازدهی این منابع است. پس عواملی که موجب وجود وگسترش فقر در میان جوامع وگروه‌های مختلف می شود عبارتند از: ویژگی‌ها و خصوصیات فردی و جمعیتی خانوارها، میزان سرمایه انسانی موجود و درجه توسعه نیافتگی منابع انسانی در جامعه، کمبود سرمایه‌های مادی در دسترس،کارکرد بازارها یا به عبارت دیگر ساختارهای اقتصادی- اجتماعی جامعه.

چنانچه گفته شد، در جهان امروز پدیده فقر منحصر به یک کشور یا جامعه خاص نیست و اکثر کشورهای جهان، به ویژه کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه، پدیده نامطلوب فقر قاعده زندگی و محیط متعارف حیات اکثر مردم آن است. بنابراین با توجه به اهمیت و ضرورت غیر قابل انکار بررسی این مساله، در سال‌های اخیر مطالعات نسبتاً وسیعی پیرامون شناخت دلایل فقر و میزان تاثیر گذاری هر یک از این عوامل بر فقر صورت گرفته است. بالیسکان و همکاران[1] (2003) در مطالعه خود دریافتندکه عواملی چون سرمایه گذاری در منابع انسانی، سرمایه گذاری در زیرساخت‌ها، شرایط تجارت محصولات کشاورزی و دسترسی به تکنولوژی زمینه را برای کاهش نابرابری فراهم کرده و بدین ترتیب باعث می شود که فقرا مستقیماً منتفع گردند. امجد و همکاران[2] (1997)، اقدام به بررسی تاثیر عوامل کلان اقتصادی بر حجم فقر در پاکستان طی دوره زمانی 93-1963 نمودند و با استفاده از رگرسیون‌های تک معادله ای دریافتندکه بهبود توزیع درآمدها، اصلاح رابطه مبادله بخش کشاورزی نسبت به بخش صنعت،کاهش تورم، ورود سرمایه‌های خارجی بیشتر، افزایش تولید غلات و مواد غذایی مناسب ترین راه برای کاهش فقر در پاکستان می باشد. بارهام و همکاران (1994) در مطالعه ای به بررسی نتایج توزیع متفاوت سرمایه انسانی در میان خانوارها و ارتباط آن با وضعیت فقر پرداختند. نتایج حاصل از مطالعه آنها نشان دادکه وجود محدودیت‌های مالی و نقدینگی و پایین بودن بهره وری تحصیلات می تواند افراد را محکوم به زندگی در دام فقر نماید.

در ایران نیز مطالعاتی در زمینه فقر صورت گرفته است. طبیبیان و سوری (1376) در مطالعه ای با استفاده از مدل رگرسیونی خطی نشان دادند که میزان فقر در ایران طی سال‌های 75-1367 رابطه ای منفی با سطح تولید در بخش‌های اقتصادی داشته است. به علاوه، بیکاری و نرخ واقعی ارز نیز به ترتیب از رابطه ای مثبت و منفی با حجم وشدت فقر در کشور برخوردار

Archive of SID

www.SID.ir

بوده است. رواسانی (1376) نیز وضعیت فقر در ایـران را ناشـی از تسـلط شـیوه‌هـای تولیـد مستعمراتی در اقتصاد و نابرابری‌های اجتماعی – اقتصادی عنوان می نمایـد. نیلـی (1375) در مطالعه خود با استفاده از یک مدل رگرسیونی پروبیت، به بررسی شـدت تاثیرگـذاری عوامـل موثر بر فقر در ایران پرداخت و در نهایت دریافت که چهار عامـل وضـعیت جمعیتـی خـانوار، وضعیت اشتغال خانوار، سرمایه انسانی و سرمایه‌های فیزیکی خانوار در مجموع قریـب بـه 90 درصد از فقر موجود در خانوارها را توضیح می دهند.

با توجه به مطالب فوق، می توان گفت که میزان فقر در جامعه تابعی از درآمد جامعـه خواهـد بود، به گونه‌ای که:

$$pov = pov(y) \qquad (1)$$

میزان درآمد افراد نیز تابعی از مقدار منـابع در اختیـار آنـان اسـت. میـزان بـازدهی یـا مبلـغ پرداختی به این منابع می تواند تابعی از شرایط اقتصادی- اجتماعی حاکم برجامعه باشـدکه بـا تاثیرگذاری بر شرایط بازار و از طریق مکانیزم قیمت‌ها به تعیین نرخ بازدهی منابع در بازار مـی پردازد:

$$y = f \qquad (2)$$ (نرخ بازدهی منابع، مقدار منـابع در دسـترس افـراد)

مقدار منابع در دسترس شامل میزان سرمایه انسانی و مادی در دسـترس اسـت و بـا توجـه بـه اینکه مقدار عرضه این منابع نیز می تواند تابعی از ویژگـی‌هـای جمعیتـی خانوارهـا و جامعـه باشد، می توان نوشت:

$$y = y(M,T,H) \qquad (3)$$

که با جایگذاری در رابطه (1)، میزان فقر برای یک جامعه تابعی از سه گروه متغیرهـای اشـاره شده خواهد بود:

$$pov = pov(M,T,H) \qquad (4)$$

مدل فوق به بررسی میزان و شدت تاثیرگذاری هر یک از عوامل موثر بـر فقـر در کشـورهـای اسلامی در قالب سـه گـروه از سـرمایه‌هـای مـادی (M)، سـرمایه انسـانی (H) و موقعیـت اقتصادی – اجتماعی حاکم بر کشورهای اسلامی (T) می پردازد. دسته اول اشاره بـه توسـعه مالی کشورهای اسلامی داردکه در این تحقیق، دو شاخص از میان شاخص‌هـای توسـعه مـالی

Archive of SID

www.SID.ir

انتخاب شده و مورد استفاده قرارمی‌گیرد. اولین شاخص، شاخص ژرفای مالی است که بیانگر اندازه واسطه‌های مالی رسمی به فعالیت‌های اقتصادی در یک سیستم بانکداری غیر ربوی است. معمولا فرض می‌شود اندازه واسطه‌های مالی به طور مثبت با خدمات مالی ارائه شده مرتبط و همبسته است، یعنی هرچه اندازه واسطه‌های مالی بزرگتر باشد، عرضه خدمات مالی نیز گسترده‌تر خواهد بود. یکی از روش‌های رایج برای اندازه‌گیری ژرفای مالی، نسبت بدهی‌های نقدی به تولید ناخالص داخلی است. این نسبت DEPFD نامیده می شود. بدهی‌های نقدی شامل اسکناس و مسکوک خارج از سیستم بانکی بعلاوه حسابهای جاری و سایر بدهی‌های بهره‌دار بانکها و واسطه‌های مالی غیر بانکی در هر کشور است. بر این اساس می‌توان آن را معادل M۳ دانست. با توجه به اینکه عمدتاً در اقتصاد کشورهای منتخب اسلامی M۳ محاسبه نمی‌شود، می‌توان از M۲ (نقدینگی= شبه پول+ پول) به عنوان جانشین آن استفاده نمود. بنابراین در این تحقیق شاخص ژرفای مالی که می تواند به عنوان یک شاخص مالی در سیستم بانکداری غیر ربوی مطرح شود، از رابطه زیر محاسبه شده است:

(5) $DEPFD_{it}$)شاخص ژرفای مالی = ($M۲_{it}$)حجم نقدینگی / (GDP_{it})تولید ناخالص داخلی

توجه به مقدار این شاخص طی سال‌های 2002 تا 2009 (دوره زمانی مورد مطالعه در تحقیق)، بیانگر روند رو به افزایش آن است. در نمودار زیر روند تغییرات شاخص ژرفای مالی برای کشورهای منتخب اسلامی شامل ایران، ترکیه، پاکستان، مالزی، اندونزی و ... به صورت لگاریتمی آورده شده است.

Archive of SID

www.SID.ir

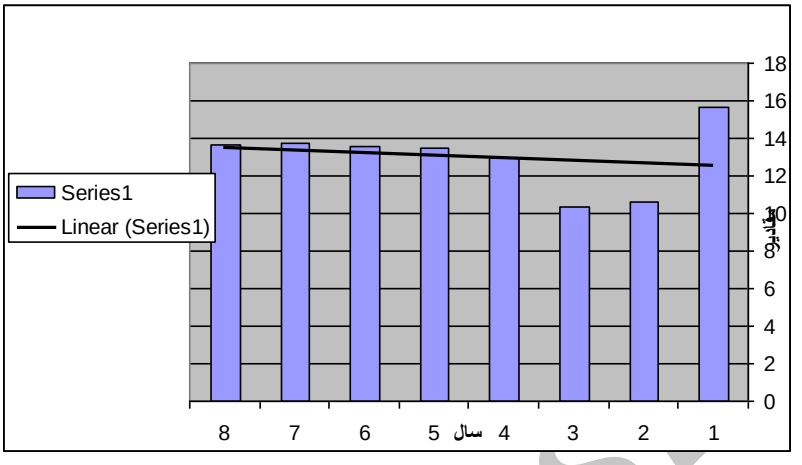

شکل 1 : روند تغییرات شاخص ژرفای مالی برای کشورهای منتخب اسلامی

دومین شاخص مالی مورد استفاده در این تحقیق، شاخص بنیانی توسعه مالی است. این شاخص بیانگر روند تغییرات اهمیت نسبی موسسات مالی است. با توجه به اینکه در کشورهای اسلامی تنها تفکیکی که می‌توان از نظر نهادهای مالی رسمی قایل شد؛ تفکیک میان بانک مرکزی و دیگر بانکهاست، از این رو می‌توان شاخص مذکور را به صورت نسبت دارایی‌های داخلی بانکها (بجز بانک مرکزی) به کل دارایی بانکها (شامل بانک مرکزی) معرفی کرد.

(6) $BADF_{it}$ (شاخص بنیانی توسعه) = $BASS_{it}$ (داراییهای‌داخلی بانکها) / $TASS_{it}$ (کل دارایی بانکها)

توجه به مقدار این شاخص طی سال‌های 2002 تا 2009 بیانگر روند رو به افزایش آن در کشورهای منتخب است؛ در نمودار زیر روند تغییرات شاخص بنیانی توسعه برای کشورهای منتخب اسلامی به صورت لگاریتمی آورده شده است. روند این شاخص بیانگر کارکرد رو به رشد بانکداری غیر ربوی از نظر حجم ارائه تسهیلات اعطایی در قالب تسهیلات قرض الحسنه سیستم بانکی کشورهای اسلامی به جامعه است که می تواند بر رشد اقتصادی و تعدیل فقر و نابرابری تاثیرگذار باشد.

Archive of SID

www.SID.ir

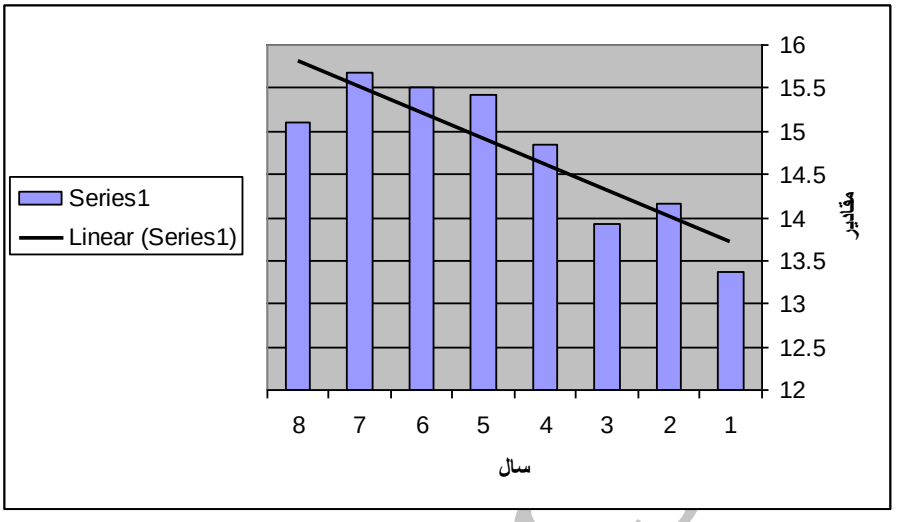

شکل 2 : روند تغییرات شاخص بنیانی توسعه برای کشورهای منتخب اسلامی

گروه دوم عوامل از طریق متغیر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اعمال سیاست‌های اقتصادی کلان دولتها، توزیع درآمد افراد جامعه این کشورها را متاثر می سازد. از جمله متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه GDP، درجه بازبودن اقتصاد و نرخ تورم است. در نهایت، دسته سوم سرمایه‌های انسانی هستندکه متغیر مورد استفاده در این بخش شامل مخارج دولت در آموزش، تحصیلات آموزش عالی، مخارج روی بهداشت و درجه امید به زندگی در افراد است (نلسون و همکاران[۳]، 1995) .

بدین ترتیب میزان فقر (که در اینجا pov ضریب جینی به عنوان شاخصی از فقر در این کشورها منظور شده است) در قالب یک مدل رگرسیونی استوکاستیک[۴] به صورت زیر بررسی می شود:

$$pov = \alpha_0 + \alpha_1 IN + \alpha_2 y + \alpha_3 EXED + \alpha_4 OPEN + \alpha_5 MG + \alpha_6 SD + \varepsilon_t \qquad (۷)$$

در رابطه فوق، pov بیانگر فقر می باشدکه در این مطالعه از ضریب جینی استفاده شده است، IN نرخ تورم، y رشد اقتصادی، EXED مخارج دولتی در آموزش، OPEN بازبودن اقتصاد، MG شاخص ژرفای مالی و SD شاخص بنیانی توسعه (MG و SD جایگزین‌های شاخص سیستم بانکداری در کشورهای منتخب هستند) است. از آنجا که در

Archive of SID

www.SID.ir

برخی از کشورهای اسلامی مورد مطالعه در تحقیق، سیستم بانکداری اسلامی اجرا نمی شود؛ لذا از یک متغیر مجازی (D_i) استفاده شده است. بدین صورت فرض می شود که برای کشورهایی از جمله مصر، اندونزی، ایران، اردن،کویت، مالزی، عربستان، عمان و امارات که در آنها سیستم بانکداری اسلامی به عنوان رویکرد این کشورها در اجرای سیستم بانکی غیر ربوی اجرا می شود، مقدار یک و برای سایرکشورهای اسلامی مورد استفاده در تحقیق مقدار صفر انتخاب شده است ، این متغیر بیانگر اثرگذاری و کارکرد سیستم بانکداری اسلامی است که کشورهای مذکور به سمت آن گرایش داشته اند و نسبت به سایر کشورهای جهان اسلام در پیاده سازی ارکان بانکداری اسلامی (مثل حذف ربا) اهتمام ورزیده اند. بدین ترتیب، متغیر مجازی در شاخص‌های توسعه مالی ضرب شده و به صورت متغیری جدید ارائه می گردد تا اثرات متقابل شاخص‌های مالی و وجود سیستم بانکی غیر ربوی بر سطح نابرابری کشورهای مورد نظر در این تحقیق، تجزیه و تحلیل شوند؛ لذا مدل‌های نهایی تخمین زده شده به صورت زیر است:

$$(۸)\quad pov_{it} = \alpha_{.} + \alpha_{۱} IN_{it} + \alpha_{۲} y_{it} + \alpha_{۳} EXED_{it} + \alpha_{۴} OPEN_{it} + \alpha_{۵} DMG_{it} + \varepsilon^{۱}_{it}$$

$$(۹)\quad pov_{it} = \beta_{.} + \beta_{۱} IN_{it} + \beta_{۲} y_{it} + \beta_{۳} EXED_{it} + \beta_{۴} OPEN_{it} + \beta_{۵} DSD_{it} + \varepsilon^{۲}_{it}$$

که در روابط فوق، DMG و DSD به ترتیب ضرب متغیر مجازی در MG و SD است. ضریب برآوردی این متغیرها، بیانگر اثرات ترکیبی شاخص‌های مالی و سیستم بانکداری اسلامی در کشورهای منتخب اسلامی است.

3- روش کار

دراین مطالعه به علت نوع داده‌های مورد مطالعه، روش داده‌های تابلویی[۵] استفاده می شود. داده‌های تابلویی، محیط بسیار مناسبی برای گسترش روش‌های تخمین و نتایج نظری فراهم می سازند و محققان قادر به استفاده از داده‌های مقطعی سری زمانی برای بررسی مسایلی می شوندکه امکان مطالعه آنها در محیط‌های فقط مقطعی یا فقط سری زمانی وجود ندارد. روش داده‌های تابلویی، روشی برای تلفیق داده‌های مقطعی و سری زمانی است (بالتاجی[۶]، 2005).

$$(۱۰)\ Y_{it} = \alpha_{it} + \sum_{k=۲}^{k} \beta_{kit} X_{it} + \mu_i + \nu_{it}$$

Archive of SID

www.SID.ir

که جزء اخلال v_{it} دارای توزیع نرمال است و بازای آن تمام iها و tها مستقل از X_{it} می باشد. برای این منظور ابتدا بایستی بررسی نمود که آیا ناهمگنی یا تفاوتهای فردی وجود دارد یا خیر؟ در صورت وجود ناهمگنی از روش دادههای تابلویی و در غیر این صورت از روشحداقل مربعات معمولی (OLS) [۷] جهت تخمین مدل استفاده می‌شود. μ_iها نیزکه بیان کنندهٔ اثرات فردی یا ناهمگنی‌ها در کشورها هستند، در قالب اثرات تصادفی[۸] یا اثرات ثابت[۹] ظاهر می شوند و در مقایسه با روش حداقل مربعات معمولی (OLS)، در قالب فرضیه زیر مورد ارزیابی قرار می گیرند:

$$H_0 : \mu_1 = \mu_2 = ... = \mu_N = 0$$

حداقل یکی از μ_iها مخالف صفر است: H_1

به منظور آزمون فرضیه‌های فوق، از آماره F_{Leamer} به صورت زیر استفاده می شود:

$$(11)\ F = \frac{RRSS - URSS / (N-1)}{URSS / NT - N - K} \sim F_{(N-1),(NT-N-K+1)}$$

که در آن RRSS [۱۰] مجموع مجذورات پسماندهای مقید (دادههای تابلویی)، URSS [۱۱] مجموع مجذورات پسماندهای غیرمقید (دادههای تلفیقی Pooling)، N تعداد کل کشورها، T تعداد مشاهدات زمانی و K تعداد پارامترهای مورد برآورد است.

چنانچه در رابطه فوق، F محاسباتی از F جدول با درجه آزادیهای $N-1$ و $NT-N-K$ در ناحیه بحرانی α بزرگتر باشد، فرضیه H_0 رد شده و بنابراین مدل دادههای تابلویی صحیح می باشد، به طوری که ناهمگنی یا اثرات فردی قابل مشاهده است. اما چنانچه F محاسباتی از F مربوطه در جدول کوچکتر باشد، آنگاه نمی توان فرضیه H_0 را رد کرد؛ بنا براین می توان نتیجه گرفت که ناهمگنی یا اثرات فردی وجود ندارد و باید مدل رگرسیونی از طریق روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برآورد شود.

برای انتخاب بین مدل‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی ، از آزمون‌هاسمن [۱۲] استفاده می‌شود که این آزمون به صورت زیر است:

$$w = (b_S - \beta_S)'(M_1 - M_0)^{-1}(b_S - \beta_S) \qquad (12)$$

به طوری که در آن w دارای توزیع χ^2 بادرجه آزادی R است. M_1 ماتریس واریانس-کوواریانس برای ضرایب مدل اثرات ثابت b_S و M_0 ماتریس کوواریانس ضرایب مدل اثرات تصادفی β_S می باشد. چنانچه M_1 و M_0 همبسته باشند، b_S و β_S می توانند به طور معنی

Archive of SID

www.SID.ir

داری متفاوت بوده و این انتظار وجود دارد تا این امر در آزمون منعکس شود. درآزمون‌هاسمن، تایید فرضیهٔ H. بیانگر انتخاب روش اثرات تصادفی و عدم تایید آن بیانگر انتخاب روش اثرات ثابت است.

4- نتایج تجربی

مطالعه حاضر تلاش نموده تا ارتباط بین رشد اقتصادی و بانکداری اسلامی را با فقر و نابرابری در کشورهای منتخب اسلامی با استفاده از تحلیل داده‌های تابلویی بررسی نماید. به طور کلی نتایج برآوردی برای دو معادله (8) و (9)، به روش داده‌های تابلویی، در جدول‌های (1) و (2) نشان داده شده اند.

جدول 1: نتایج برآوردی معادله (8) به روش اثرات ثابت داده‌های تابلویی

```
  Random-effects GLS regression                   Number of obs      =       128
Group variable (i): id                            Number of groups   =        17
R-sq:  within  = 0.2138                           Obs per group: min =         4
between = 0.0566                                                 avg =       7.5
overall = 0.0681                                                 max =         8
Random effects u_i ~ Gaussian                     Wald chi2(5)       =     22.79
corr(u_i, X)       = 0 (assumed)                  Prob> chi2         =    0.0004
------------------------------------------------------------------------------
gini |      Coef.   Std. Err.      z    P>|z|     [95% Conf. Interval]
-------------+----------------------------------------------------------------
lny |  -.0533524   .0307672    -1.73   0.083    -.1136549    .0069502
lnexed |    .005474   .0250067     0.22   0.827    -.0435382    .0544863
lnopen |   .0532211   .0421483     1.26   0.207     -.029388    .1358302
lnin |    .016556   .0053645     3.09   0.002     .0060417    .0270703
dmg |  -.0092164   .0072169    -1.28   0.202    -.0233612    .0049284
       _cons |   1.798188    .08638    20.82   0.000     1.628886    1.967489
  -------------+----------------------------------------------------------------
sigma_u|  .04961174
sigma_e|  .01856072
rho |  .87721958   (fraction of variance due to u_i)
------------------------------------------------------------------------------
Fixed-effects (within) regression               Number of obs      =       128
Group variable (i): id                          Number of groups   =        17
R-sq:  within  = 0.3585                         Obs per group: min =         4
between = 0.0440                                                 avg =       7.5
overall = 0.0566                                                 max =         8
F(5,106)          =     11.85
corr(u_i, Xb)  = -0.9552                        Prob> F            =    0.0000
------------------------------------------------------------------------------
gini |      Coef.   Std. Err.      t    P>|t|     [95% Conf. Interval]
-------------+----------------------------------------------------------------
lny |  -.2354564   .0473282    -4.97   0.000    -.3292891   -.1416237
lnexed |  -.0023568   .0246162    -0.10   0.924    -.0511608    .0464473
lnopen |   .1323778   .0452987     2.92   0.004     .0425687    .2221869
lnin |   .0086211   .0049852     1.73   0.087    -.0012625    .0185048
dmg |  -.0158763    .007994    -1.99   0.050    -.0317252   -.0000274
       _cons |   2.630513   .1811729    14.52   0.000      2.27132    2.989706
```

Archive of SID

www.SID.ir

```
-------------+----------------------------------------------------------------
sigma_u|  .18438483
sigma_e|  .01856072
rho |  .98996862   (fraction of variance due to u_i)
------------------------------------------------------------------------------
F test that all u_i=0:     F(16, 106) =    43.84              Prob> F = 0.0000
. hausman random
                 ---- Coefficients ----
             |      (b)          (B)            (b-B)     sqrt(diag(V_b-V_B))
             |     random         .          Difference          S.E.
-------------+----------------------------------------------------------------
lny |   -.0533524    -.2354564         .182104                .
lnexed |     .005474    -.0023568        .0078308        .0044019
lnopen |    .0532211     .1323778       -.0791567               .
lnin |     .016556     .0086211        .0079349        .0019815
dmg |   -.0092164    -.0158763        .0066599                .
------------------------------------------------------------------------------
                           b = consistent under Ho and Ha; obtained from xtreg
            B = inconsistent under Ha, efficient under Ho; obtained from xtreg
    Test:  Ho:  difference in coefficients not systematic
chi2(5) = (b-B)'[(V_b-V_B)^(-1)](b-B)
                          =   -29.97    chi2<0 ==> model fitted on these
data fails to meet the asymptotic
assumptions of the Hausman test.
```

ماخذ: محاسبات کامپیوتری

جدول 2: نتایج برآوردی معادله (9) به روش اثرات ثابت داده‌های تابلویی

```
Random-effects GLS regression                   Number of obs      =       128
Group variable (i): id                          Number of groups   =        17
R-sq:  within  = 0.1849                         Obs per group: min =         4
between = 0.0959                                               avg =       7.5
overall = 0.1129                                               max =         8
Random effects u_i ~ Gaussian                   Wald chi2(5)       =     20.87
corr(u_i, X)       = 0 (assumed)                Prob> chi2         =    0.0009
------------------------------------------------------------------------------
gini |      Coef.   Std. Err.      z    P>|z|     [95% Conf. Interval]
-------------+----------------------------------------------------------------
lny |  -.0624871   .0325018    -1.92   0.055    -.1261894    .0012152
lnexed |    .007823   .0258858     0.30   0.762    -.0429122    .0585582
lnopen |   .0551336   .0430693     1.28   0.201    -.0292807    .1395479
lnin |   .0163441   .0053994     3.03   0.002     .0057614    .0269268
dsd |   .0038309   .0177729     0.22   0.829    -.0310033    .0386651
       _cons |   1.828157   .0875659    20.88   0.000     1.656531    1.999783
-------------+----------------------------------------------------------------
sigma_u|  .05003185
sigma_e|  .01889599
rho |  .87516509   (fraction of variance due to u_i)
------------------------------------------------------------------------------
Fixed-effects (within) regression               Number of obs      =       128
Group variable (i): id                          Number of groups   =        17

R-sq:  within  = 0.3351                         Obs per group: min =         4
between = 0.0574                                               avg =       7.5
overall = 0.0711                                               max =         8
F(5,106)          =     10.68
corr(u_i, Xb)  = -0.9585                        Prob> F            =    0.0000
------------------------------------------------------------------------------
gini |      Coef.   Std. Err.      t    P>|t|     [95% Conf. Interval]
-------------+----------------------------------------------------------------
lny |  -.2505621   .0475733    -5.27   0.000    -.3448807   -.1562435
lnexed |   -.006129   .0256367    -0.24   0.812    -.0569562    .0446982
lnopen |   .1236375   .0477339     2.59   0.011     .0290003    .2182746
lnin |   .0084864   .0050785     1.67   0.098    -.0015823    .0185551
dsd |  -.0056026   .0201259    -0.28   0.781    -.0455042     .034299
       _cons |   2.706565   .1810701    14.95   0.000     2.347576    3.065555
-------------+----------------------------------------------------------------
sigma_u|  .19019023
sigma_e|  .01889599
```

Archive of SID

www.SID.ir

```
rho |  .99022545   (fraction of variance due to u_i)
------------------------------------------------------------------------------
F test that all u_i=0:     F(16, 106) =    44.37             Prob> F = 0.0000

. hausman random
                 ---- Coefficients ----
             |      (b)          (B)            (b-B)     sqrt(diag(V_b-V_B))
             |     random         .          Difference          S.E.
-------------+----------------------------------------------------------------
lny |   -.0624871    -.2505621         .188075                .
lnexed |     .007823     -.006129         .013952        .0035826
lnopen |    .0551336     .1236375        -.0685039               .
lnin |    .0163441     .0084864         .0078577        .0018337
dsd |    .0038309    -.0056026         .0094335               .
------------------------------------------------------------------------------
                           b = consistent under Ho and Ha; obtained from xtreg
            B = inconsistent under Ha, efficient under Ho; obtained from xtreg
    Test:  Ho:  difference in coefficients not systematic
chi2(5) = (b-B)'[(V_b-V_B)^(-1)](b-B)
                          =   -33.46    chi2<0 ==> model fitted on these
data fails to meet the asymptotic
assumptions of the Hausman test.
```

ماخذ: محاسبات کامپیوتری

نتایج گزارش شده در جدول (1)، حاکی از انتخاب روش داده‌های تابلویی است، زیرا آماره F_{Leamer} تایید کننده این مطلب است ($F_{Leamer(۱۶,۱۵۶)} = 43.84$). علاوه بر این، آزمون‌هاسمن روش اثرات تصادفی را تایید نکرده است و نتایج برآوردی مربوط به اثرات ثابت انتخاب می شود.

طبق محاسبات کامپیوتری، اطلاعات این جدول نشان می دهد که متغیر GDP در سطح 5 درصد اهمیت معنی دار و از علامت لازم برخوردار است، به طوری که با افزایشیک درصدی GDP، از میزان نابرابری در کشورهای منتخب به میزان 0.23 درصد کاسته می شود.افزایش در این متغیر، ظرفیت‌های اقتصادی کشورها را افزایش می دهد که منجر به رشد بالاتر اقتصادی می شود.در این شرایط، زمینه‌های سرمایه گذاری و اشتغال فراهم می شودکه به نوبه در کاهش فقر نسبی ملت‌های اسلامی تاثیرگذار است.تاثیر متغیر مخارج دولت روی آموزش از نظر آماری معنی دار نیستو بیان کننده این است که تغییرات در مخارج دولت روی آموزش، اثری بر نابرابری و رفع فقر در این کشورها نداشته است. به عبارتی، مخارج جاری دولتها که به آموزش در این کشورها اختصاص داده می شود، از کارایی لازم برخوردار نیست، این نتیجه در جدول (2) نیز قابل ملاحظه است.بلحاظ اندازه بزرگ دولت‌ها که عمدتاً در این کشورها بچشم می خورد، و عدم کارایی کافی در مدیریت منابعی که از طرف دولت‌ها روی مخارج آموزش تخصیص میابد، چنین نتیجه ای چندان دور از انتظار نیست. بعلاوه، بر اساس

Archive of SID

www.SID.ir

نتایج دو جدول، متغیر باز بودن اقتصاد اثر مثبت بر سطح نابرابری کشورها ایجاد می کند، نتیجه ای که خلاف انتظار است. اگرچه در برخی از کشورهای منتخب اسلامی از جمله مالزی، ترکیه و اندونزی در دو دهه اخیر استراتژی‌های برون گرایی اتخاذ شده است، ولی اثر کل و ناهمگونی در رفتار تجاری سایر کشورها دلالت بر بی تاثیری این متغیر دارد. زیرا اعمال سیاست‌های آزاد سازی تجاری همچنان برای تعداد بیشتری از کشورها ،همچنان پرهزینه است و توازن را در جریان‌های تجاری آن‌ها بوجود نیاورده است. می توان گفت هزینه‌های مبادله ناشی از باز بودگی اقتصادی در این کشورها بالا است، به طوری که منجر به کاهش نابرابری اقتصادی نشده است. نرخ تورم نیز مطابق با انتظار، اثر مثبتی بر سطح نابرابری ایجاد کرده است. این نتیجه به دور از انتظار نیست، به طوری که وجود نرخ‌های بالای تورم در برخی از کشورهای اسلامی منجر به عدم تخصیص بهینه منابع می شود، که در آن نرخ سرمایه گذاری و اشتغال کاهش میابد و منجر به افزایش اختلاف درآمد و ایجاد فقر در کشورهای اسلامی که اغلب در بلوک کشورهای جنوب قرار دارند، می شود.

نتایج ارائه شده در جدول (1) حاکی از معنی داری ضریب متغیر ضربی DMG در سطح اهمیت 5 درصد دارد. به سخن دیگر، ضریب منفی این متغیر گویای این واقعیت است که اثر ترکیبی متغیر ژرفای مالی و متغیر مجازی کشورهاییکه دارای سیستم بانکی غیر ربوی هستند، بر سطح نابرابری کشورهای منتخب منفی بوده است؛ به طوری که با تقویت این اثر از سطح نابرابری اقتصادی کشورهای اسلامی کاسته می شود. اما در مقابل و با توجه به جدول(2)، متغیر SDS که متغیر ضربی شاخص بنیانی مالی و متغیر مجازی است، اثر معنی داری را بر سطح نابرابری آنها ایجاد نکرده است، اگرچه دارای علامت مورد انتظاری می باشد. در مجموع معنی داری متغیر DMG در جدول (1)، نوید بخش کارکرد مناسب بانکداری اسلامی در میان ملل جهان اسلام است، به طوری که با گرایش روزافزون این کشورها و تعیین جنبه‌های نظری و عملی این سیستم جنبه‌های اثر بخشی عملیات بانکی را بر شرایط اقتصادی کشورهای ذیربط بوجود می آورد. در شرایط نوین اقتصاد جهانی، که کشورها به سمت یکپارچگی‌های اقتصادی گرایش دارند، همگرایی در سیستم بانکداری از طریق یکسان سازی در نوع عملیات بانکی و اجرای سیاست‌های پولی مبتنی بر نظام بانکداری اسلامی زمینه موثری را برای پیاده سازی اقتصاد اسلامی و کاهش نابرابری و شکاف درآمدی فراهم می سازد.

Archive of SID

www.SID.ir

6- نتیجه گیری

مطابق با ادبیات موجود، بین رشد و نابرابری‌های اقتصادی در جوامع مختلف رابطه تجربی مبهمی وجود داشته است، به طوری که رشد اقتصادی کشورها در کوتاه مدت به اختلاف طبقاتی، بویژه در کشورهای در حال توسعه، دامن زده است. در این مقاله تلاش بر این بود که با شناسایی عوامل تاثیرگذار بر سطح نابرابری کشورهای منتخب، نقش یکی از شاخص‌های مهم اقتصاد اسلامی، یعنی سیستم بانکداری غیر ربوی، در تعیین نابرابری این کشورها تجزیه ئ تحلیل شوند. نتایج حاکی از آن است که شاخص‌های مالی در یک سیستم بانکداری غیر ربوی می تواند کارساز باشد و از سطح نابرابری بکاهد.

بدون شک، اصلاح سیستم مالی کشورهای اسلامی و تجهیز به ابزار کارا متناسب با دین مبین اسلام، مثل بانکداری اسلامی، می تواند زمینه‌های راهبردی مبارزه با فقر را فراهم سازد. بعلاوه، همکاری کشورها در تنظیم روابط اقتصادی و یکسان سازی شاخص‌های توسعه مالی اسلامی، شرایط بهینه ای را از طریق ایجاد فرصت‌های دسته جمعی برای مبارزه با فقر و کاستی سطح نابرابری ایجاد می کند.

در مطالعات دیگر، می توان از شاخص‌های بیشتری که قابل تطبیق با سیستم بانکداری غیر ربوی اسلامی است در خصوص نحوه تاثیرگذاری آن‌ها بر شرایط اقتصادی کشورهای اسلامی عضو OIC استفاده نمود.

منابع و مآخذ

1- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل.(1371).درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر.مرکز آمار ایران.

2- حسن زاده،علی .(1379).عوامل موثر بر فقر،مطالعه موردی ایران.پایان نامه دوره دکتری تخصصی،دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.

3- طبیبیان،محمد و داوود سوری(1376).برخی مباحث نظری درباره فقر.تهران.موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.

4- عظیمی، حسین.(1371).مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران.چاپ اول، تهران، نشر نی.

Archive of SID

www.SID.ir

5- گالیبرایت،جان کنت.(1369).ماهیت فقر عمومی.ترجمه محمد حسین عادلی، تهران، انتشارات موسسه اطلاعات، چاپ دوم.

6- نیلی، فرهاد.(1375). بررسی تحولات فقر،توزیع درآمد و رفاه اجتماعی طی سالهای گذشته. مجموعه مقالات اقتصاد ایران، تهران، موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.

7- Amjad, Rashid and A.R.Kemal.(1997).Macroeconomic Policies and their Impact on Poverty Alleviation in Pakistan. Pakistan Development Report.

8- Baliscan A.M, E.M. Pernia, and A, Asra (2003), Revisting Growth and Poverty Reduction in Indonesia .In E.M. Pernia and Deolalikar,Eds., Poverty,Growth ,and Institutions in Development Asia. London: Pagrave Macmillan.

9- Baltagi, B. H. (2005), Econometric Analysis of Panel Data, Third Edition , New York: John Wiley and Sons.

10- Barham, Vickey, Robin Boadway, MauriccMarchand, and Pierre Pestieau. (1994). Education and the Poverty Trap. European Economic Review.

11- Dollar D. and Kraay (2000)."Growth is Good for the Poor ".Development Research Group the World Bank

12- Forsyth J. (2000), Letter, the Economist June 20.

13- Kuznets, S.(1955),"Economic Growth and Income Inequality ",American Economic Review ,Vol45,No.1,pp.1-28

14- Lanjouw, Peter and Martin Ravallion.(1995). Poverty and Household Size. Economic Journal ,105(November),1415-1434.

15- Nelson, Mack.C. And Yvonne B.Oliver. (1995).Employment Structure and Poverty .America Agricultural Association.

15- Richard H. and J. Adams (2002). "Economic Growth, Inequality and Poverty: Finding from a New Data Set", World Bank, Working Paper 2972

16- Singh Sohotu.(1990).Poverty Theory and Policy – A Study of Panama .The Johns Hopkins University Press.

17- www.worldbank.org

18-www.nationmaster.com

19- World Trade Organization , www.wto.org

20- World Bank(2001) World Development Indicators,2001 (Washington, DC: World Bank).

21- UNSD,Data Statistical, Common Data. Main data,www.unstate.un.org

یادداشت

1. Baliscan (2003)
2. Barham (1994)
3. Nelson et al (1995)

Archive of SID

www.SID.ir

4. Stochastic
5. Panel Data
6. Baltagi (2005)
7. Ordinary Least Square
8. Random Effect
9. Fixed Effect
10. Restrict Residual Sum Squares
11. Un Restrict Residual Sum Square
12. Hausman Test

Archive of SID

www.SID.ir